**بِســـــــــْــــــم اللهِ الأَقْدَس الأَمْنَع**

قلم أعلی من فی الإنشاء را ندا ميفرمايد و به حقّ واحد هدايت مينمايد ای شيخ فانی حمد کن محبوب عالميان را که تأييد فرمود ترا که مرّة أُخری به ساحت اقدس فائز شدی و طواف کعبه مقصود نمودی اليوم بايد آن جناب ناس را به کلمه واحده دلالت نمايند آن کلمه به هيکل محبوب ظاهر و او است مهيمن بر عالم و ما فيه آن کلمه بنفسها قائم بوده و خواهد بود کلّ از او ظاهر و به او راجع او است آيه لیس کمثله شيء موحّد اليوم نفسی است که حقّ را مقدّس از أشباح و أمثال ملاحظه نمايد نه آنکه امثال و أشباح را حقّ داند مثلاً ملاحظه کن از صانع صنعتی ظاهر ميشود و از نقّاش نقشی حال اگر گفته شود اين صنعت و نقش نفس صانع و نقّاش است هذا کذب و ربّ العرش و الثّری بلکه مدلّند بر ظهور کماليّه صانع و نقّاش ای شيخ فانی معنی فنای از نفس و بقای باللّه آنست که هر نفسی خود را در جنب اراده حقّ فانی و لا شیء محض مشاهده نمايد مثلاً اگر حق بفرمايد افعل کذا بتمام همّت و شوق و جذب قيام بر آن نمايد نه آنکه از خود توهّمی کند و آنرا حق داند در دعای صوم نازل و لو يخرج من فم ارادتک مخاطبا إيّاهم يا قوم صوموا حبّا لجمالی و لا تعلّقه بالميقات و الحُدود فو عزّتک هم يصومون و لا يأکلون الی أن يموتون اينست معنی فنا در اين مقام درست تفکّر نمائيد تا بسلسبيل حيوان که در کلمات مالک امکان جاری و ساری است فائز شويد و شهادت دهيد باينکه حقّ لم يزل منزّه از خلق بوده إنّه لهو الفرد الباقی العليم الخبير اين مقام اعظم از مقامات بوده و خواهد بود بايد آنجناب بما أراد اللّه قيام نمايند و ما أراد اللّه ما نزّل فی الألواح است بقسمی که بهيچوجه از خود اراده و مشيّتی نداشته باشند اينست مقام توحيد حقيقی از خدا بخواهيد در اين مقام ثابت باشيد و ناس را بسلطان معلوم که بهيکل مخصوص ظاهر و بکلمات مخصوصه ناطق است هدايت کنيد اينست جوهر ايمان و ايقان نفوسی که باوهام خود معتکف شده‌اند و اسم آنرا باطن گذاشته‌اند فی الحقيقه عبده اصنامند کذلک شهد الرّحمن فی الألواح إنّه لهو العليم الحکيم